



گزارش

نداسیجانی
خبرنگار

موسیقی یکی از ارکان مراسم، جشن ها و آیین های مختلف، فرهنگ بومی، مذهبی و ملی سرزمین ماست و جایگاه ویژه‌ای در این زمینه دارد؛ هنری که توانسته با سازهای مختلف و اصیل ایرانی کاربرد خود را به دنیا معرفی کند و شناخته شود. سازهایی که هر یک قدیمی طولانی دارند و میراثی گرانبها در فرهنگ و هنر ایران زمین محسوب می‌شوند. مجید صفری یکی از سازنده‌های کاربلد سازهای ایرانی است و طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش توانسته آثار ماندگاری به مخاطبان‌اش اهدا کند. ابداعات تازه‌ای هنرمند روی تعدادی از سازها، بهانه‌ای برای این گفت‌وگو بود که در ادامه می‌خوانید.



ابتدا بفرمایید با توجه به فضای محافظه کار موسیقی ایرانی، چه انگیزه‌ای سبب سیستم پرده‌بندی ساز شد؟ آیا برای این تابوشکنی دلایل منطقی هم داشته‌اید؟

باید بگویم خودم چنین عقیده‌ای ندارم! درست نمی‌دانم «تایو» در کار سازسازی چه می‌تواند باشد، اما اصول را می‌دانم و بر همین اساس است که خود را ساختار شکن هم می‌دانم. ساخته‌های من که در دست اساتید است، شاهدند. کار من مطالعه و کشف ابداعات برای تغییراتی کاربردی و ظریف است؛ تغییراتی به ظاهر کوچک که بتواند کمالی که بدان نیاز دارند، برساند. این تغییرات از اجزای سازنده آن ساز تا شکل ظاهری و در نهایت،

سونوریت و شامل می‌شود. در مورد فضای حاکم بر موسیقی ایرانی هم بدرستی اشاره کردید. برخی از این دوستان بسیار محدود و بسته فکری‌اند و قدامی از عادت‌ها و دانش‌هایشان فراتر نمی‌گذارند، اشکالی هم ندارد. هر کس اختیار کار خود را دارد و همه برای هم احترام قائلیم. من از ابتدا علاقه‌مند بودم تا حد توانم یاد بگیرم و دنبال افق‌های جدید هم باشم. تلاشم در حد توانم بوده و کارم تمامی ندارد. از ساختن هر نوع ساز ایرانی و غیر ایرانی (تجربه‌هایی کسب شده که برای ابداعات بعدی به کار برود و برای رسیدن به هر کدام از آنها فکر و وقت و آزمون‌های بسیاری صرف شده است.

با توجه به اینکه هر کس (از نوازنده متخصص تا نوازندگان آماتور) ابتدا اصول حرفه‌ای ساخت آن ساز را می‌بیند و بعد به صدای آن می‌رسد، در ساختن سازها چه عواملی مورد پسند و استقبال تکنوازان مشهور قرار گرفته است؟

سازسازی، باطنی و ظاهری دارد؛ در وهله اول، رسیدن به صدای مطلوب برایم مهم بوده است. مهم‌ترین دستاورد، رسیدن به صداهای دلخواه است. بعد از صدا، شکل و ظاهر آن ساز به چشم می‌آید. درباره سونوریت سازها هم باید بگویم تا امروز، هیچ چالش بی‌نتیجه‌ای با هنرمندی نداشته‌ام. هر نوازنده‌ای صدای موردپسندش را در ساز پیدا کرده و همان را برگزیده است، اما درباره ظاهر سازها هم باید بگویم بیست سال پیش، حرف‌های مختلفی شنیدم. گویا اگر کسی سدر را یا سازی را با رنگی غیر از قهوه‌ای و کرم و نخودی بسازد نوعی جرم مرتکب شده است! این دوستان بر این نظر بودند طرح و نقش روی چوب‌ها (که اتفاقاً طبیعی هم هستند) و با ساز به رنگ فیروزه‌ای یا طلایی یا سبز سدری چه معنا دارد؟ ساز که رنگ غیرمعمول داشته باشد اصلاً ساز نیست! دلیل قانع‌کننده‌ای هم نمی‌آوردند، فقط مخالفت می‌کردند! توجه نداشتند که در هنرهای سنتی



مجید صفری تابوها را از سازهای سنتی ایران می‌زداید

شمایل جدید در نوای کهن

ایرانی، از دوزنگی تا معماری تنوع رنگ‌ها چقدر شگفت‌انگیز است و تا چه اندازه شگفت‌انگیزی می‌تواند رسانای حس زندگی و انرژی و سلیقه فرهنگی باشد. به نظرم، بین هنرهای ایرانی، فقط سازسازی ایرانی است که گرفتار این فقر رنگ مانده است. چوب‌های مورد استفاده، تقریباً همگی دارای طرح‌های متنوع طبیعی و رنگ‌های ویژه خود هستند. هم رستنگاه ایرانی دارند و هم غیرایرانی. از هر هدیه طبیعت در هر جای دنیا، برای ساخت ساز بهره می‌گیرم و هدفم این است که هر سازی شخصیت منحصر به فرد خود را از حیث صدا و ظاهر داشته باشد. چوب‌هایی با نام‌های اینوس آفریقای، توکوبولوی مکزیک، کینگ وود برزیلی، آمبانی استرالیایی و دیگر چوب‌های نایابی که قیمتشان را گاه با طلا و الماس می‌سنجند. اینها از کشورهای دوردست وارد می‌شوند و در همان جاها نیز بهای گاه بسیار سنگینی دارند. از این چوب‌های نایاب، مقاصد خاص در صداگیری و سونوریت‌های جدید نیز موردنظر بوده است. کار با هر نوع چوب نیز به شناخت و تجربه و تخصص و «فرقار» ویژه ساز ساز با مقوله ساخت را دارد و برای خود ندیایی است. با چنین پیش فرض‌هایی روشن است که خط تولید یا «سری» سازی نمی‌تواند در کار باشد؛ بلکه هر سازی مانند هنر انسانی

مشخصات منحصر به فرد خود را خواهد داشت چه در سیمایی ظاهری و چه در صدای آن. گو اینکه در سازسازی بخش صنعت رنگ آمیزی و نقش انگیزی، همان بخشی است که به جذب مخاطب جهانی مربوط می‌شود و چشمگیرترین عامل را در معرفی هنر و هنرمند ایرانی به عهده دارد و گرنه مقوله سونوریت و جوهره صدا بخش ملی و درون مرزی است و صرفاً بستگی به پسندهای هنرمند متخصص دارد که تازه آن هم از فردی به فردی دیگر تغییر می‌کند. اگر این واقعیت بدیهی و منطقی را بپذیریم حق داریم سؤال کنیم که زیبایی و ارزشمندی یک ساز اگر وابسته به صداهای مطلوب، طنین دلخواه، صنعت دقیق و رنگ‌های جذاب و تزئینات ظریف نیست، پس وابسته به چیست؟!

البته دیده‌ایم و شنیده‌ایم که اکثر سازهای جهان با رنگ آمیزی‌های استاندارد و شناخته می‌شوند و برخی از آنها اصلاً عامیانه به عنوان «رنگ‌های طبیعی» ندارند؛ مثل فلوت، پیانو، گیتار و... اما اشکالی که بعضی از موسیقیدان‌های جوان می‌گیرند این است که قیمت سازهای شما خیلی سنگین است و تهیه‌ای برای بیشتر افراد امکان ندارد. نظر شما در این مورد چیست؟

در این باره شکی نیست، ولی

باید جوانب گوناگون این مسأله را هم سنجید. امروزه گرانبهایی هر چه چیزهای غیرمعمولی، یک روند رایج جهانی است. شما اگر بخواهید ساز کار دست (ولو در سطح متوسط) را از هر کشوری تهیه کنید، سرتان از قیمتش می‌رود. فرقی نمی‌کند و پولی ایتالیا باشد یا ترومیت ممفیس یا سیتار هندوستان یا قانون مصری. تازه اینها مربوط به سازهای دست ساخت اساتید مشهور در سازسازی نیست، آن‌ها بهای بسیار بالاتری دارند و از چند سال قبل سفارش می‌گیرند و به اصطلاح «تک‌ساز» هستند. در ایران این جایگاه‌ها تقریباً وجود ندارد و مایل هم نیستند که وجود داشته باشد. در ایران، مراتب «استادی» مانند دیگر نقاط جهان، وجود ندارد. جریان این صنعت، هنر، به دست دلال‌ها و حتی برخی مدرسان افتاده که تبدیل به واسطه‌ها بین هنرجویان و سازسازان شده‌اند. همان‌ها هستند که فضای شغلی همکاران ارجمندمان را هم خراب کرده‌اند و زحمات آنها تحت‌الشعاع سودجویی‌های دلال‌ها قرار گرفته است. این تنها حرف من نیست. اگر قرار باشد من و چند نفر از دیگر استادکارها که «تک‌ساز» می‌سازند، فقط صورت هزینه‌های مواد مورد نیازمان را ارائه کنیم، معلوم می‌شود که اتفاقاً بهای سازهای نفیس زیاد هم نیست. در مورد هزینه معنوی هم عمری که

چوب‌های

مورد استفاده، تقریباً همگی دارای طرح‌های متنوع طبیعی و رنگ‌های ویژه خود هستند. هم رستنگاه ایرانی دارند و هم غیرایرانی. از هر هدیه طبیعت در هر جای دنیا، برای ساخت ساز بهره می‌گیرم و هدفم این است که هر سازی شخصیت منحصر به فرد خود را از حیث صدا و ظاهر داشته باشد

سال‌ها و ماه‌هاش در گرد و خاک کارگاه صرف تجربه‌اندوزی برای پیشرفت شده که اصلاً قابل محاسبه نیست. بادم آمد از داستان «تولوز لوترک» نقاش مشهور فرانسوی که طرحی را برای کمیته‌ای «یتان» کشید و دستمزدی کلان خواست. نماینده کمیته‌ای به او گفت: چنین بهایی برای نیم ساعت کار؟ لوترک پاسخ داد: نیم ساعت کار و پنجاه سال مرارت.

جدیدترین ابداع به ثبت رسیده شما در پرده‌بندی سازهای زهی زخمه‌ای به نام «رها» است؛ درباره این ابتکار کمی توضیح می‌دهید؟

پیش از این هم مشکلات پرده‌بندی روی دسته این سازها از سوی نوازندگان عنوان می‌شد و می‌شود؛ اما استاد ابراهیم قنبری مهر و جناب استاد حمید اشتری، هر کدام به سهم خود برای بهبود این بخش از سازسازی تلاش کرده و راه تکامل را هموار کرده‌اند. ابداع حاضر صرفاً با تکیه بر تجربه‌های خودم بوده و نه با نگاه به تجربه‌های ارزشمند دوستان و همکارانم و این فاصله، جدای هر گونه ارزش‌گذاری، حتی در یک نگاه ساده هم قابل تشخیص است. به طور خلاصه، پرده‌بندی موسوم به «رها» در کارهای من بدین ترتیب است که رسته‌ها (چه کالت کوت [نخ جراحی] و چه از روده تابیده) از پشت دسته ساز در نمی‌شوند، بلکه از داخل دسته که مجراهایی محاسبه و دقیق در آن تعبیه شده، عبور می‌کنند و سطح پشت دسته ساز که کف دست نوازنده مدام بر ابتدا و انتهای آن می‌گذرد، صاف و سالم باقی مانده و سرعت ناخن را بیشتر نمی‌کند و هنگام ضرب یا میکروفون‌های حساس تولید صدای اضافی نمی‌کند. مجراها طوری طراحی شده‌اند که پرده‌ها بنا به نیاز نوازنده، قابلیت جابه‌جایی داشته باشند. بویژه در ساز «تاره»، دیگر آن ردیف منبج‌های کوبیده شده در بیخ دسته که مدام باعث مزاحمت برای نوازنده می‌شد، وجود نخواهند داشت. در سازهایی مثل تار، سه‌تار و باغلاما و هم خانواده‌هایشان، به سهولت امکان افزودن پرده‌های بیشتر فراهم شده و مورد استفاده نوازندگان که این سازها را با این ابداع در اختیار دارند، قرار گرفته است.

مزایایش همین است؟ تا جایی که من می‌دانم، کمتر از این نیست، اگر بیشتر نباشد! دوستان نوازنده گفتند با این نوع پرده‌بندی، بهداشت نوازندگی در مشهور فرانسوی که طرحی را برای کمیته‌ای «یتان» کشید و دستمزدی کلان خواست. نماینده کمیته‌ای به او گفت: چنین بهایی برای نیم ساعت کار؟ لوترک پاسخ داد: نیم ساعت کار و پنجاه سال مرارت.

روی سازهایتان اسم گذاشته‌اید؛ آیا این کار تازه‌ای است؟

خیر. اتفاقاً سابقه‌ای قدیمی دارد. بعضی سازهای اساتید دوره قاجار دارای نام بوده‌اند، مانند یاقوت، روشنگر، تهنمتن و مجلس‌آرا. نامگذاری یکی از حاشیه‌های زیبای فرهنگ سازسازی کلاسیک در همه جای دنیا است. در ایران، مهدی کمالیان روی سلتارهایش می‌گذاشت. ایشان در نامگذاری از منابع شعری و ادبی بهره می‌برد. نامگذاری‌های من بر اساس مجموعه‌ای از فاکتورهای تصویری، ادبی، تاریخی و طرح‌ها، رنگ‌ها و نقش‌هایی است که به باورها، زیباشناسی و تاریخ و هویت «ایرانی» نزدیک باشد و بتواند احساس و مطلبی را برساند، مانند پروژه «شمس و مولانا»؛ بسیاری از آنها طرح و نقش‌هایی دارند که آنها را «ککشانی» نامیده‌ام و پیش از آن وجود نداشته است. خوشبختانه نامگذاری‌ها مورد تأیید و تشویق دوستان هنرمند قرار گرفته است؛ نام‌هایی مثل: رها، خزان، طاووس، صلح و... البته نام بعضی از سازها بر اساس نام شخصیت‌های بزرگ یا اساطیر ایرانی است.

می‌توانید مثال بزنید؟ این اوخاردو دستگاه تنبور ساخته‌ام که به اصطلاح «جفت» هم هستند و همان طور که گفتم «شمس و مولانا» نام دارند. حسن اتفاق آن اینکه مورد توجه هنرمند بزرگ و دوست بزرگوارم جناب استاد شهرام ناظری قرار گرفتند و درباره آنها نظر دادند.



در پرده‌بندی سازهای زهی زخمه‌ای نگاه

میرعلیرضا میرعلی‌نقی مورخ، پژوهشگر و منتقد

با وجود بسیاری تغییرات اساسی که در نظام‌های کهن آموزشی اسلامی در سراسر جهان اتفاق افتاده است، باز هم برخی از عوامل سازنده، کمابیش از همان روال گذشته تبعیت می‌کنند. یکی از آنها، ثابت ماندن پیشه‌خانوادگی است که در صورت تداوم نسلی، تبدیل به پیشه‌ای خانوادگی می‌شود و تبدیل دنیای سنتی به دنیای مدرن نتوانسته است آن را بنیان کن کند. سازگری در همه جای دنیا پیشه‌های اکثر خانوادگی و خانوادگی است. بویژه در دنیای هنر موسیقی اعم از کلاسیک، شهری و یانواچی. برادران «مقری» (به خصوص مجید و زنده یاد سعید) از چهره‌های متاخر در هنر سازسازی هستند و از بین آنها، بیش از همه استاد مجید صفری، هنرمندی ناوآور است که شهرت سازهای او از مرزهای ملی فراتر رفته و خواستارانی پیگیر در استانداردهای بین‌المللی یافته است. مجید صفری چندین ساز زهی زخمه‌ای را می‌سازد و بویژه در ساخت بریط (دود) و سه تارهایی با نقوش هوش ربا، شهره است. گذشته از این، صداشناسی کم نظیر و نوازنده‌های خیره است و اگر ساز نمی‌ساخت، بی‌شک تکنوازی برجسته می‌توانست باشد. او بدون اینکه قصد ساختارشناسی‌های مدرنیستی را در سازهای سنتی داشته باشد، با رعایت دقیق اصول بنیادین این سازها از حیث ظاهری و صوتی، تلاش کرده که نقایب و نیازهای موجود در آنها را بشناسد و برای اصلاح و تکمیل آنها کار کند. یکی از آخرین دستاوردهای او که اخیراً به ثبت رسمی هم رسیده، سیستم پرده‌بندی (دستان نشانی) ویژه‌ای به نام «رها» است که توضیحات بیشتر را از گفته‌های خودشان نقل می‌کنیم.

فرهنگ



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ بازگردانیم

نخستین جلسه شورای سیاستگذاری چهل و سومین جشنواره فیلم فجر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. سیدعباس صالحی در این جلسه گفت: متأسفانه فاصله عمیقی میان جامعه سینمایی و بخش تصمیم‌گیر پدید آمده که کاهش بی‌اعتمادی را باعث شده که گاهی بی‌گامی‌های برداشته شده که می‌تواند امیدوارکننده باشد. مسیری که طی می‌کنیم باید به گونه‌ای باشد که وقتی جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود، با نگاه به پشت سر حس کنیم از راه رفته شرمند نیستیم.

او با تأکید بر این مطلب افزود: در مسیر پیش رو باید گام‌هایی برداشته شود و تلاش کنیم کسانی را که قهر کرده‌اند، بازگردانیم و البته در حل مشکلات برخی هنرمندان دنبال سرودن کردن نباشیم. بخش اعظم اهالی سینما نسبت به سینمای ایران تعصب دارند، به همین دلیل برداشت من این است که اگر گام‌های مثبت برداریم، می‌توانیم اعتمادهای دست‌رفته را به‌زودی بازگردانیم. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه مسیر پیش رو باید با همکاری هرچه بیشتر طی شود، بیان کرد: در ارتباط با اصل سینما، جشنواره و راجع به برخی مسائل باید بیشتر گفت‌وگو کرد. البته ممکن است در جشنواره امسال نتوانیم همه خواسته‌ها را محقق کنیم اما باید چشم‌انداز مشخص شود و مسیر را براساس آن جلو ببریم.

او در ادامه با تأکید بر اینکه همه اجزای جشنواره‌ای مانند جشنواره فیلم فجر باید به پنج وجه وفادار باشد، گفت: وجه اقتصاد سینما، وجه آندیشه و هنر سینما، وجه فن‌آورانه سینما، وجه بین‌الملل سینما و سینما به عنوان امری انسانی؛ اگر این پنج‌گانه را بپذیریم باید بررسی کنیم جشنواره‌ها چه کمکی به سیدعباس صالحی می‌کنند.

اینکه مسیر برگزاری جشنواره فیلم فجر باید به گونه‌ای تعریف شود که جشنواره امسال متفاوت از گذشته باشد، بخشی از این هدف باید به صورت نمادین پیگیری شود تا هنرمندان تغییر را لمس کنند. در بخش دیگر نیز باید در اندک زمان باقی مانده بررسی کنیم که چگونه می‌توان تماشاگر فریخته جگر کرده، سابقه دیرینی که جشنواره دارد را به آن بازگرداند. همچنین بدانیم که جشنواره‌های فجر در صورت برگزاری مناسب می‌توانند امید و نشاط اجتماعی ایجاد کنند و اکنون کشور و مردم به این نشاط نیاز دارند. بنابراین شورای سیاستگذاری باید ایده‌هایی بدهد که جشنواره در این مسیر قرار گیرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره جدا شدن مجدد بخش ملی و بین‌الملل جشنواره فیلم فجر بیان کرد: اگرچه تصمیم گرفته شده که جشنواره ملی فیلم فجر از جشنواره بین‌المللی جدا شود اما باید بررسی کنیم چگونه می‌توان در قالب جشنواره ملی فجر هم سینمای ایران را در منظر بین‌الملل قرار دهیم. باید بدانیم تا وقتی آثار را در ارتباط با فضای بیرونی قرار ندهیم، در داخل هم به خوبی دیده نمی‌شوند. در این دیدار، راشد فریزاده رئیس سازمان سینمایی کشور نیز تأکید کرد: جشنواره جهانی فیلم فجر جزو چهارده جشنواره برتر انتخابی بین‌المللی فیپاف قرار داشت. در جریان مکاتباتی که داشتیم، طرف مقابل نیز به دلیل برگزاری بخش بین‌الملل جشنواره فجر در زمان مقرر ابراز خوشحالی کرد.

اخبار



آغاز تور کنسرت‌های علی رهبری در چین

تور کنسرت‌های علی رهبری آهنگساز و رهبر بین‌المللی ارکستر ایرانی در کشور چین با رهبری ارکستر سمفونیک شهر پکن در تالاری ۵ هزار نفری آغاز شد. علی رهبری در این کنسرت آثار «اورتور رومئو و ژولیت» از پیوتر ایلیچ چایکوفسکی (براساس نمایشنامه شکسپیر)، «سونیت پرژیزنت» (پرگینت) اثر ادوارد کریگ آهنگساز و نوازنده پیانو اهل نروژ و «سمفونی شماره ۹» اثر فرانتس پیتر شوپرت آهنگساز اتریشی برجسته مکتب موسیقی کلاسیک/رمانتیک را اجرا کرد.



زندگی پروانه معصومی مستند شد

همزمان با سالگرد درگذشت پروانه معصومی، مستندی با عنوان «پروانه» درباره زندگی این هنرمند فقید ساخته شده و از تلویزیون پخش خواهد شد. این مستند به سفارش سیمافیلم و به کارگردانی ایمان احمدی، به‌زودی روی آنتن تلویزیون خواهد رفت. در این مستند شخصیت‌هایی از جمله علیرضا زین‌دست، اکبر نبوی، انسبه شاه‌حسینی، داریوش یاری، بهروز افخمی، جهانگیر الماسی، ایوب آقاخانی، سید احمد میرعلایی، رضا ابوظفلی و... روایتگر خاطرات از نقش آفرینی‌های ماندگار پروانه معصومی خواهند شد. **ایستنا**



استقبال از «گلادیاتور ۲» در سطح بین‌المللی

«گلادیاتور ۲» در اولین روزهای اکران بین‌المللی خود موفق به فروش ۸۷ میلیون دلاری شد. درحالی‌که فیلم جدید ریدلی اسکات یعنی «گلادیاتور ۲» که انتظار زیادی برای نمایشش وجود دارد، هنوز در آمریکا اکران نشده است اما برخی از بازارهای بین‌المللی از همین آخر هفته نمایش آن را شروع کرده‌اند و برخی دیگر در نوبت نمایش هستند. «گلادیاتور ۲» با فروش ۸۷ میلیون دلاری از نمایش در ۶۳ بازار وارد عرصه بین‌المللی شد تا نشان دهد کارش را قدرتمندانه آغاز کرده و دنباله‌ای که ربع قرن پس از فیلم اصلی «گلادیاتور» در زیادی برخوردار است. **امهر**



«ارکستر آکادمیک پایتخت» به رودگی می‌رود

گروه سازهای ایرانی «ارکستر آکادمیک پایتخت» به سرپرستی حامد فکوری، ۳۰ آبان ماه ریه نخستین بار در تالار رودکی روی صحنه می‌رود. این ارکستر سال ۱۳۹۵ به سرپرستی شهرام توکلی تأسیس شده و از سال گذشته نیز ارکستر سازهای ایرانی خود را به سرپرستی حامد فکوری راه‌انداز کرده است. برای این اجرا قطعاتی از آهنگسازان ایرانی چون مرتضی نی‌داود، یحیی زینچه، پرویز مشکاتیان و... در نظر گرفته شده است. **هنرکانلاین**